

درس‌های مهمی که از اولین سال راه‌اندازی کسب‌وکار خود گرفتم



میروز سیمپسون یکی از آدم‌های موفق در زمینه راه‌اندازی کسب‌وکار محسوب می‌شود. وی در سال 2015 به فکر تأسیس یک کسب‌وکار اینترنتی برای کمک به زنان افتاد و بعد از یک سال نتایج بسیار خوبی به دست آورد. در این مقاله وی چند نصیحت ارزشمند که در موفقیت‌های وی تأثیر بسزایی داشتند را با مخاطبان خود به اشتراک می‌گذارد.

تاریخ 21 جولای 2015 بود که MyLadyBug وارد دنیای بزرگ شد و همه امکان دیدن و ارزیابی آن‌را داشتند. در واقع من در حالی‌که هنوز لباس خواب بر تن داشتم و پشت میز آشپزخانه نشسته بودم این قدم بزرگ را برداشتم و اولین **کسب‌وکار** خود را راه‌اندازی کردم. اما حالا چه؟

یک سال از آن زمان می‌گذرد و تولد یک سالگی **کسب‌وکارم** را جشن می‌گیرم. "تولدت مبارک MyLadyBug!" این ماه بزرگ‌ترین ماه ما از نظر ارسال سفارشات بوده است. چه سال خوبی!!!

هرگز نمی‌توانستم تصور کنم که MyLadyBug چه سفر پرهیجانی را طی خواهد کرد. **راه‌اندازی کسب‌وکاری** که متعلق به خودم باشد یک تجربه شیرین و لذت‌بخش بوده است. البته که کار فوق‌العاده سختی است و تمام روزهای آن شیرین نبوده است. اما این روزهای بد هستند که باعث می‌شوند تا روزهای خوب را بشناسید و قدردان آن‌ها باشید. در اینجا قصد دارم چند مورد از درس‌های مهمی که در طول این یک سال آموختم را با شما در میان بگذارم.

1- شبکه خود را پیش از آن‌که به آن نیاز داشته باشید بسازید

وقتی به عقب نگاه می‌کنم خودم را در حالی‌که تنها پشت میز آشپزخانه نشسته بودم می‌بینم اما اصلاً احساس تنهایی نمی‌کردم. خانواده و دوستانی داشتم که در تمام طول این مسیر من را حمایت و پشتیبانی می‌کردند. از آن مهم‌تر حمایت بزرگی بود که از طرف مخاطبان خود دریافت می‌کردم. مخاطبانی که پیش از شروع به کار در رویدادهای **شبکه‌سازی** و از طریق شبکه‌های اجتماعی پیدا کرده بودم. این شبکه کاملاً طبیعی و بدون آن‌که برنامه خاصی برای آن در نظر داشته باشم رشد کرد و بزرگ شد. من فقط می‌خواستم درباره این **کسب‌وکار** با دیگران صحبت کنم و به آن‌ها بگویم که در حال ساختن چه چیزی هستم.



2- از منطقه امن خود بیرون بیایید

البته این جمله خیلی کلیشه‌ای است و حتما تا به حال میلیون‌ها بار آن را شنیده‌اید اما تا زمانی که آن را تکه تکه و موشکافی نکردم متوجه نشدم که این جمله برای خود من چه معنا و مفهومی دارد.

هر شخصی منطقه امن منحصر به فرد خود را دارد. همه ما این قدرت را داریم که پای خود را از این منطقه بیرون بگذاریم فقط باید بخواهیم. به همین خاطر شروع به کشیدن یک نقشه خارج از منطقه امن خود کردم، چه چیزی آن بیرون بود؟

روی این نقشه همه چیز بود از سخنرانی‌های عمومی گرفته تا **شبکه‌سازی** و صحبت‌های **کسب‌وکار**. علاوه بر این، معتقدم برای این که دائما در حال رشد و توسعه باشید باید همواره خود را به چالش بکشید.

با چنین ذهنیتی بود که توانستم در شرایط مختلف فرصت‌هایی را ببینم که تا پیش از این سعی می‌کردم از آنها فاصله بگیرم. وقتی از من خواسته می‌شد تا سخنرانی کنم به جای نه گفتن، جواب من بله بود و با کمی تمرین و کنترل اعصاب و حفظ آرامش واقعا از آن لذت می‌برم. اما همه این‌ها به پیدا کردن عشق و علاقه برمی‌گردد.

3- خونگرمی و مهربانی شما گروه مخاطبان‌تان را جذب می‌کند

فوق‌العاده است که ببینید دنیا به چیزی که ساخته‌اید جواب می‌دهد. فکر می‌کنم این باارزش‌ترین جنبه شروع **کسب‌وکارم** بود.

وقتی درباره **کسب‌وکار** خود شروع به تماس با بلاگرها کردم احساس کردم که باید از یک شیوه خیلی حساس و ظریف برای نزدیک شدن به آن‌ها استفاده کنم. شروع به گفتن داستان‌هایی درباره خودم و تجربیاتی که داشتم کردم. می‌خواستم دیگران را تشویق کنم که صحبت کردن درباره مسائل ناخوشایند و زشت اصلا بد نیست.

از بازتاب این روش به شدت شوکه شدم. هر زنی که با او صحبت کرده بودم داستان مختلفی برای گفتن داشت. از همه مهم‌تر آن بود که تمام این داستان‌ها واقعی بودند، تأثیرگذاری زیادی داشتند و حقیقت و روراستی که در آن‌ها وجود داشت باعث می‌شد تا زنان دیگر بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند.

اولین ماه ارسال سفارشات خیلی ترسناک بود. این مرحله یکی دیگر از مراحل اصلی در **کسب‌وکاری** بود که راه انداخته بودم. در این مرحله بود که مشترکان شروع به دریافت بسته‌های مراقبتی خود می‌کردند. چند روز بعد از آن، شبکه اجتماعی من پر از پست‌هایی شده بود که مشترکان بسته مراقبتی MyLadyBug گذاشته بودند.

اصلا تصور نمی‌کردم که مشتریان من از آن‌ها عکس خواهند گرفت و روی رسانه‌های اجتماعی پست خواهند کرد. مطمئنا هیچ کسی بعد از رفتن به داروخانه از خریدهای خود عکس نمی‌گیرد اما در این مورد قضیه فرق می‌کند.

4- نگران "چگونه" نباشید

این سؤال رعب‌آور شب‌های زیادی ذهن من را به خود مشغول کرد و باعث نگرانی من شد. ممکن است یک عمر در حال جستجو برای یافتن بهترین و کامل‌ترین استراتژی‌ها برای **کسب‌وکار** باشیم. **کسب‌وکار** MyLadyBug هیچ نقشه از پیش تعیین شده‌ای نداشت. هیچ درست و غلطی وجود نداشت، احتمالات انتهایی نداشتند.

کسب‌وکار MyLadyBug هیچ‌وقت تنها یک ایده نبود، رشد کرد، سازگار شد و بعد از دریافت نقطه‌نظرات گروه‌های مختلف مردم متحول شد. **کسب‌وکار** من پذیرای تمام ایده‌ها و نظرات بود تا آن چیزی که در حال ساخت آن بودم شکل مشخصی پیدا کند.

"چن سینسرو" می‌گوید: "کار شما دانستن "چگونه" نیست، بلکه باید "چيست" را بشناسید، آماده پذیرفتن کشفیات باشید تا "چگونه" را دریافت کنید."



5- مانترای خود را پیدا کنید

یک جمله خیلی ساده که وقتی اوضاع دشوار می‌شود، کارها خوب پیش نمی‌رود و گاهی اوقات تمرکز خود را از دست می‌دهم باعث جرقه‌ای در من می‌شود.

جنگ‌های زیادی با خودم داشته‌ام، مانند، "یک کار واقعی پیدا کن"، "نه، این همه راه نیامدم که فقط تا همینجا آمده باشم." شانس کمی در زندگی پیدا می‌کنیم که دنبال رویاهای خود برویم، اجازه ندهید که ترس از ناشناخته‌ها شما را نسبت به حرکت رو به جلو مردد کند.

وقتی این کار را شروع کردم اصلا فکر نمی‌کردم که قرار است ساده باشد.

منبع:

نشانی منبع:

<https://www.shabakeh-mag.com/success-and-entrepreneurship/14838/%D8%AF%D8%B1%D8%B3%E2%80%8C%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%85%D9%87%D9%85%DB%8C-%DA%A9%D9%87-%D8%A7%D8%B2-%D8%A7%D9%88%D9%84%DB%8C%D9%86-%D8%B3%D8%A7%D9%84-%D8%B1%D8%A7%D9%87%E2%80%8C%D8%A7%D9%86%D8%AF%D8%A7%D8%B2%DB%8C-%DA%A9%D8%B3%D8%A8%E2%80%8C%D9%88%DA%A9%D8%A7%D8%B1-%D8%AE%D9%88%D8%AF-%DA%AF%D8%B1%D9%81%D8%AA%D9%85>